

ضرورت نوسازی در غدیرپژوهی

نشست نقد و بررسی مجموعه «کتاب غدیر» با حضور نویسنده اثر و رئیس بنیاد بین‌المللی امامت در دانشگاه ادیان و مذاهب برگزار شد.



نشست نقد و بررسی مجموعه «کتاب غدیر» با حضور نویسنده اثر و رئیس بنیاد بین‌المللی امامت در دانشگاه ادیان و مذاهب برگزار شد. در این نشست، ضمن تبیین ضرورت استفاده از منابع نایافته و متقدم در اثبات واقعه غدیر، بر لزوم تحول در روش شناسی حدیث پژوهی، توجه به نسخه پژوهی و به کارگیری دانش‌های نوین زبان شناختی در مباحث بین‌مذهبی تأکید شد. همچنین منتقدان، شفاف‌سازی هدف تألیف میان رویکرد «موسوعه‌ای» و «احتجاجی» را نخستین ضرورت برای اقناع مخاطب نخبگانی دانستند.

ضرورت نوسازی در غدیرپژوهی به گزارش‌های اینکنا، نشست نقد پیش از انتشار مجموعه «کتاب غدیر»، 9 خردادماه از سوی دانشگاه ادیان و مذاهب با حضور محمدعلی موحدی، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب و نویسنده اثر و ناقد آن حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی، رئیس بنیاد بین‌المللی امامت برگزار شد.

سخنان نویسنده و ناقد این نشست به ترتیب به شرح زیر است:

مباحث پیرامون واقعه غدیر نیازمند تبیین مفصل است؛ از این رو، اثر پیش رو در قالب مجموعه‌ای متشکل از چهار دفتر متمایز و مستقل، بازتألیف و منتشر می‌گردد. دفتر نخست این مجموعه به بررسی مناصب، مراتب و جایگاه والای امیرمؤمنان (ع) اختصاص یافته و دفتر دوم به تحقیق در اسناد و طرق خطبه غدیر می‌پردازد.

علی‌رغم وجود آثار فاخری همچون «عبقات الانوار» میرحامد حسین و «الغدیر» علامه امینی، نگارش آثار تازه در این حوزه همچنان یک ضرورت است. با وجود تبعات گسترده آن دو بزرگوار، امروزه آثاری از متقدمین در دسترس است که در آن زمان در اختیار ایشان نبوده است؛ از جمله قریب به ۲۰ اثر از منابع عامه (مانند کتاب «طرق من کنت مولاه» ذهبی) که نشانی از آن‌ها در الغدیر و عبقات دیده نمی‌شود.

کتاب «طرق من کنت مولاه» اثر ذهبی، از جمله منابع ارزشمندی است که میرحامد حسین به آن دسترسی نداشت. علاوه بر این، بسیاری از نظریات و شبهات معاصر (مانند آرای حسن بن بناء، سالوس و...) در دوره‌های پیشین مطرح نبوده است که ما در این اثر به ۲۰ مورد از این نظریات پرداخته ایم.

در بخش دیگری از این پژوهش، برخی اخبار تا ۱۵ طریق از منابع عامه ردیابی شده‌اند. همچنین در بررسی واژه «مولی»، حدود ۸۰ منبع لغوی و تفسیری از عامه (از جمله منابع معاصر نظیر آثار البانی) مورد استناد قرار گرفته است که این حجم از استنادسازی، دو برابر مطالب ارائه شده در الغدیر و عبقات است.

علاوه بر موارد فوق، نوآوری در ارائه قرائن و استدلال‌ها، ضرورت تألیفات جدید را دوچندان می‌کند؛ به عنوان نمونه، در این اثر به این پرسش پاسخ داده شده است که چرا شخصی مانند مسلم بن حجاج نیشابوری در نقل حدیث غدیر، تمامی جزئیات را ذکر کرده اما بخش کلیدی «من کنت مولاه» را حذف نموده است؛ نکته‌ای که در تحلیل‌های قدیمی‌تر به آن پرداخته نشده بود. سخنان ناقد

هرچند تاکنون فعالیت‌های فراوانی پیرامون واقعه غدیر صورت گرفته است، اما همچنان ظرفیت‌های بسیاری برای کار در ابعاد تاریخی، متن‌شناسی، محتوایی و پاسخ به چالش‌های دینی وجود دارد؛ لذا این مسیر هرگز به پایان نمی‌رسد. در مجامع علمی جهان نیز مرسوم است که چنین موضوعاتی همواره مورد بازخوانی قرار گرفته و اسناد جدید آن‌ها کشف و بررسی شود.

مسئله اساسی این است که اثر جدید باید با چه مختصات و ویژگی‌هایی تألیف شود. بسیار شایسته است که کتاب‌ها پیش از انتشار، مورد نقد و بازبینی علمی قرار گیرند و برگزاری نشست امروز نیز در همین راستاست. همچنین بسیار مطلوب خواهد بود اگر بتوانیم در این مسیر، حتی علمای منتقد و صاحب‌نظر اهل سنت را نیز وارد فضای نقد و گفت‌وگو کنیم. فقدان روشمندی در حدیث پژوهی

یکی از چالش‌های اساسی در آثار ما، فقدان روش مندی در حدیث پژوهی و اعتبارسنجی منابع اهل سنت، به ویژه در موضوع غدیر است. پرسش اینجاست که آیا ما بر اساس موازین علمی مشخص به نقد آثار آنان می‌پردازیم؟ گاهی مشاهده می‌شود که در تحلیل سند، از مسالک مختلف به صورت سلیقه‌ای استفاده می‌شود؛ به گونه‌ای که مطلبی در یک بخش از کتاب تضعیف و در بخشی دیگر با شواهد همان مذهب تقویت می‌شود، که این تناقض در روش، از وزانت علمی کار می‌کاهد.

این مسیر که از زمان ائمه (ع) آغاز شده، در دوره متأخر با «عیقات الانوار» (در ۷ جلد) به شکلی جامع وارد فضای کلامی شد و سپس با «الغدیر» علامه امینی ادامه یافت که البته آن هم پروژه‌ای ناتمام باقی ماند. در سالیان اخیر نیز دو موسوعه بزرگ دیگر در حال نشر است؛ یکی «دایره المعارف غدیر» (زیر نظر استاد انصاری در ۲۰ جلد) که با هدف نظم بخشی به داده‌های ۱۵۰۰ کتاب تألیف شده، و دیگری اثر امیر تقدیمی با عنوان «المنیر فی نبی بالغدیر» (در ۲۰ جلد) که به گردآوری طرق، روایان و متون غدیر از تمامی مذاهب پرداخته است.

سؤال اصلی این است که این اثر قرار است چه خلأ خاصی را پر کند؟ آیا ماهیتی احتجاجی دارد یا موسوعه‌ای؟ هرچند در مقدمه به شبهات و مسائل جدید اشاره شده، اما مشخص نیست که کتاب مسیری ترویجی و هدایتگرانه را دنبال می‌کند یا صرفاً توصیفی است. به نظر می‌رسد هدف اثر در میان چند رویکرد در نوسان است؛ به ویژه آنکه جلد اول با تمرکز بر مناصب امیرمؤمنان (ع)، مخاطب معتقد به باورهای شیعی را هدف قرار داده و فضایی کاملاً متفاوت با جلدهای دیگر دارد که این امر بر یکدستی رویکرد احتجاجی اثر در برابر دیگران اثر می‌گذارد. بی‌هدفی در انتخاب مخاطب

اگر این مجموعه با نگاهی موسوعه‌ای تدوین شده باشد، حجم اطلاعات فعلی برای اقناع مخاطب نخبگانی و دانشگاهی کافی نیست و فاقد استانداردهای دانشنامه‌ای است. چنانچه هدف، خلق یک موسوعه جدید است، باید با ادبیات امروزی و رویکردی نو تألیف شود؛ در غیر این صورت، اثر بین دو رویکرد احتجاجی و موسوعه‌ای سرگردان می‌ماند، چرا که برخی مطالب آن جنبه دفاعی ندارد و برخی دیگر نیز جامعیت یک دایره المعارف را دارا نیست. لذا شفاف‌سازی هدف و شناسایی دقیق مخاطب، نخستین ضرورت این تألیف است.

همواره این تلقی وجود داشته که اثر خوب باید واجد تمام آرای پیشینیان به اضافه یافته‌های جدید باشد. این روش که در نگارش آثاری چون «نهایت الاصول» نیز دیده می‌شود، باعث می‌گردد حجم انبوهی از مطالب تکراری، نوآوری‌های اندک نویسنده را تحت الشعاع قرار دهد. در مقابل، ما به دو الگو نیازمندیم: یا همچون مرحوم شهید صدر در «الحلقات»، ساختار و ادبیات دانش را از اساس نوسازی کنیم و یا یافته‌های جدید را در قالب "تکمله" بر آثار سترگ گذشته بنگاریم تا مسیر تحقیق هموارتر شود.

امروزه در مجامع علمی، فراتر از بحث طرق، موضوع اعتبار نسخه‌های خطی (مثلاً قدمت نسخه‌های در دسترس از کتاب کافی) اهمیت ویژه‌ای یافته که در این کتاب مورد غفلت واقع شده است.

مباحثی نظیر ارتباط غدیر با حدیث ثقلین، منزلت و به ویژه مهدویت، از فرازهای کلیدی خطبه غدیر هستند که کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. همچنین ضرورت دارد در مباحث بین‌مذهبی، از منطق تخاطب سنتی فراتر رفته و به دستاوردهای نوین در حوزه‌هایی چون مطالعات تاریخی، زبان شناختی، معناشناسی شناختی و بینامتنیت توجه کنیم تا زبان گفتگوی ما با جهان معاصر توسعه یابد.